

یک طایفه آریائی بنام آیسهایا ایرونیها

تقلم

مجموعه کتب

در دامنه کوههای قفقاز

سال گذشته هنگامیکه بدعوت
آکادمی علوم اتحاد جماهیر
شوروی وانستیتوی شرق شناسی
آن کشور به گرجستان رفته بودم
این توفیق حاصل شد که از مناطقی
دیدن کنم که در غالب آنها هنوز
آثار تمدن اصیل ایران کهن
بچشم میخورد. در این سفر چند
روزه آشکار شد که سرزمین
قفقاز یکی از آن مناطقیست که
تحقیق و کاوش در گوشه و کنار
آن بسیاری از گوشه‌های تاریک
تاریخ ایران را روشن میسازد.
زیرادر روز کاران پیش‌دیرزمانی
اقوام آریائی در آنجا سکونت
داشته‌اند و باز هم دیر زمانی
قسمتهائی از این ناحیه ضمیمه
قلمرو شاهنشاهی ایران بوده است

و در نتیجه چه بسیار از مظاهر و آثار تمدن و فرهنگ ایرانی را در آنجا میتوان یافت که یا عین آن موجود است و یا آنکه تمدن و فرهنگ محلی را متأثر ساخته است^۱ چنانکه در ناحیه ایرستان بازماندگان قومی آریائی و ایرانی بنام آسها یا ایرونیها سکونت دارند که در زبان آنها کلمات فارسی بسیار هست و در آداب و رسوم و سنن آنها نشانه‌هایی از آریائی بودن آنها میتوان یافت.

مرکز ایرستان شهر تسیخپین والی است و ساکنان این سرزمین به سرزمین خود ایرستان و بخودشان ایرون^۲ و ایرونی گویند و به گرجی به آن اوست جنوبی و بزبان روسی آستینی گویند که اقتباس از آس است.

در نواحی مرکزی که میان دو بخش واقعست بخشی از ناحیه کوهستانی قفقاز است که از چند دره بسته عمیق تشکیل یافته. تا واسط سده نوزدهم این بخش نیز از جهات اداری جزء گرجستان بوده ولی پس از ساختمان یک راه نظامی این ناحیه به اوست شمالی پیوست و از آن زمان با استثنای دره تروسوفسک (کنار رود ترک) جزو بخش کازیک جمهوری شوروی گرجستان شده است.

اوست جنوبی اکنون نیز یکی از استانهای گرجستان است ولی اوست شمالی که بخش بزرگتری است حکومت جمهوری خود مختاری دارد و هر دو قسمت در گذشته سرزمین آنها یا آستستان بوده است.

۱ - مانند کلیسای صلیب در بخش آرمازی (هرمزی) گرجستان که کلیسائی متروک است و از نقشه و طرح ساختمان و مهربه‌های آن بنظر میرسد میترائوم بوده و نیز کلیسای دیگری در دره بزرگ رود کر که معنی نام گرجی آن «کلیسای بزرگ ستون زنده کننده» است در محلی بنام میتسی‌خاو این کلیسا همانست که بنا پنوشته جلال‌الدین محمد خوارزمشاه، برای اهانت به جنگجویان تفلیس با اسب بدرون آن داخل شد این کلیسا نیز در گذشته مهربه مهربها بوده است - همچنین میدانیم که مردمان حدود تفلیس و بخصوص اهالی ناحیه آس بنام میتسی خاتا اواخر قرن هیجدهم میلادی آیین زرتشتی داشته‌اند.

۲ - در برخی لهجه های ایران گاهی تلفظ A به O بدل می‌شود چنانکه آب را او و آمد را اوامد گویند این نکته در لهجه تاجیکی و خراسانی بهتر محسوس است.

به اوست شمالی یکورودیکری رایکو کوبندومردم آنرا دیکورودیکوری و مرکز آن شهر اورجونی گیدزه است که نام قدیم آن ولادی قفقاز بوده است. مردم این سرزمینها در سده هفتم میلادی خود را آس می نامیدند و قدمت و اصالت ایرانها از ایگورها که در شمال هستند بیشتر است این موضوع رازبان شناسی نیز تأیید میکند اگر چه در گذشته شمالیها (دیکورها) بیشتر توجه شده و بآنها خود مختاری نیز داده اند.

آبایف دانشمند اوست شناس معاصر شوروی عقیده دارد که آلانها - ایرونها دیرتر از آلان آسها پیدا شده اند.

در گذشته آلانها، ایرونها سرزمین پهناوری را از بخش اوروخ تا گذرگاه داریال در بند که اکنون جزو داغستان است در اختیار داشتند ولی اکنون سرزمین آنها به بخش کوچکی از دامنه های جنوبی کوه های قفقاز محدود است.

رشته کوه های قفقاز سرزمین قفقاز را از جلگه پیرامن دن جدا میکند و سرزمین آنها در دو دامنه کوه مانند پشتکوه و پیشکوه قرار گرفته .

جمعیت و رسوم و آداب آنها

جمعیت این سرزمین در گذشته بیشتر بود. در سالهای ۱۸۲۸ تا ۱۸۳۰ دولت روسیه تزاری گروه بسیاری از آنان را به مرزهای ترکیه و جاهای دیگر کوچ داده و تبعید کرد اکنون گروهی از آنان در ناحیه قارص ترکیه بسر میبرند و عده ای در گرجستان و نقاط دیگر قفقاز و جمهوری های دیگر پراکنده اند که تعداد آنان را در کشور اتحاد جماهیر شوروی به چهار صد و پنجاه هزار تخمین میزنند.

اکنون جمعیت ایرستان بالغ بر ۱۴۰ هزار تن است و دیکوریا اوست شمالی دارای ۲۵۰ هزار جمعیت است.

این مردم اصولاً جنگجو و لیرو میهمان نواز بوده و غالباً استعداد خوانندگی و نوازندگی دارند. برخی رسوم شمالیها با ایرونیها تفاوت دارد بدام داری

و کشاورزی و صنایع دستی علاقه دارند درباره فرهنگ و آهنگ‌های ملی آنها و هنر و ادبیات آن تحقیق شده. آبا یف و کالویف و دیگران در باره دستور زبان و فرهنگ خوراک و پوشاک و مسکن و ارتباطات و رسوم آنها تحقیق کرده‌اند.

در میان داستانهای ملی و افسانه‌های آنها نام رستم و سهراب و اسفندیار و بهرام گور و قهرمانان ملی ایرانیان دیده میشود و بسیاری از آوازهای دسته جمعی آنها از آهنگ دهقانان ایرانی سرچشمه می‌گیرد که من کتابهای مربوط به داستانها و آوازهای ملی آنها را بایران آورده بوزارت فرهنگ و هنر و انجمن موسیقی ملی فرستادم. ایرونی‌ها مانند ایرانی‌ها بسیار میهمان نواز هستند و برسم باستان در شاخ گاو بسلا متی همه دوستان و آشنایان شراب می‌نوشند بمیهمان آنقدر شراب میدادند که بر زمین افتد و پس از آن دسته جمعی به آواز خوانی میپردازند.

من برای دیدن این مراسم در یکی از دهکده‌ها در میان یک خانواده ایرانی نهار صرف نمودم بسیاری از مردم این سرزمین دارای مناصب نظامی عالی شده‌اند زیرا چنانکه گفته شد در شمشیرزنی و دلاوری بنام هستند وزیر خارجه آتاتورک یک ایرونی بود و شوهر ملکه تمار ملکه معروف گرجستان در اواخر سده دوازدهم میلادی نیز یک شاهزاده ایرونی بنام داود سوسلان بود و مادر استالین نیز ایرونی بود.

بیلی انگلیسی رئیس مؤسسه سلطنتی آسیائی انگلستان عقیده دارد در سده چهارم زاد روز مسیح پنجهزار خانواده از ایرونی‌های آلان را بواسطه دلاوری امپراتوری روم به انگلستان تبعید کرد و آنها شهر لندن را ساخته‌اند. نژاد و زبان - نژاد اسپه‌مانندسکاها (اسکیت‌ها و بروسی اسکیف‌ها) از نژاد آریائی و ایرانی است و زبان آنها از گروه زبانهای ایرانی میانه است^۲

۳- رواج زبانهای ایرانی میانه از سده چهارم زادروز مسیح تا سده هفتم در حدود هزار سال از چین و سفند و خوارزم تا جلگه دانوب و اروپای مرکزی گسترده بود زبان ایران میانه در شمار گروه ایرانی زبانهای هند و اروپایی است.

اکنون در زبان آنها بسیاری از واژه‌ها بزبان امروزی فارسی مشترك است چنانکه بطور نمونه به دو «دوا» و به پنج «فونج» و به گوش «گوشی» و به پادشاه «پاتسا» گویند و گرچه پای عرب و مغول بسرزمین آنها نرسیده برخی واژه‌های عربی در زبان آنها راه یافته است. لهجه شمالی ابرونی را ایکوونی، دیکوری و دیگر گویند و شمالی‌ها بخود دیکوری گویند و لهجه شمالی و جنوبی باهم اختلاف دارد.

این مردم به آب دن میگویند نام رود دن ودنی پیر ودنی یستر اوب و شهر دونتسک از نامگذارهای آنهاست.

بیلی^۴ دانشمند انگلیسی عقیده دارد آنها ولکارا ایولدن گفته‌اند یعنی رود خروشان (طغیان کرده) اکنون به زبان گرجی به جریان آب دنپا گویند و رودخانه را هم دن آر.

بیلی نامبرده رئیس مؤسسه سلطنتی آسیائی انگلستان (روال آسیانیک سوسایتی) میگوید: ابرونی‌ها که از این سرزمین به انگلستان رفته‌اند لندن را بنا نهاده‌اند و نام لندن یک نام ابرونی است که در اصل بایرونی لاوان دن (لاندون) بوده است یعنی رود آرام. درباره این عقیده با آقای تسرتیلی رئیس انستیتو شرق‌شناسی گرجستان که خود عضو مؤسسه سلطنتی آسیائی انگلستان نیز هست و در زبان عربی از دانشمندان متبحر عرب شناس هستند آقای جمشید گیوناشوپلی که درباره فونتیک زبان فارسی تحقیق کرده‌اند و استاد دانشگاه تقلیس می‌باشند و همچنین با استاد آبایف اوست شناس بزرگ شوروی و دکتر افتخاری دانشگاه لندن که درباره دستور زبان و فلکلور مردم اوست آثاری دارند گفتگو شد و در بازگشت به شهر تسبخین والی در انستیتو تاریخ و زبان ابرونی‌ها که با حضور اعضای انستیتو تشکیل شد ساعتی شرکت و مباحثه نمودیم.

همچنین در ناحیه‌ای ازین سرزمین آثاری از سده پنجم و ششم میلادی وجود دارد که بدرستی کاوش نشده در محلی بنام جاوا آثار تاریخی از سده دوازدهم میلادی وجود دارد و در نزدیکی آن کنبدهایی هست که از قدیم مزارات است و من نتوانستم بواسطه کمی وقت درباره آنها تحقیق نمایم و امید است دانشمندان اوست شناس گرجی و روسی درباره آنها تحقیق نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙهشڪاهه علوم انساني ومطالعات فرينجني
پرتمال جامع علوم انساني



پڙهه ڪاهه علوم انساني و مطالعات فرينجني
پرتمال جامع علوم انساني